

ادعای آمریکا دربارهٔ انتخابات ایران

معاون نماینده ویژه آمریکا در امور ایران همزمان با برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان در ایران و مشارکت ایرانیان در اظهاراتی مداخله جویانه، تلاش کرد مشروعیت این انتخابات را زیر سوال ببرد و از جانب مردم ایران سخن بگوید. به گزارش ایرنا، «آبرام پبلی» معاون نماینده ویژه آمریکا در امور ایران در واکنش به برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان در ایران در روز جمعه ۱۱ اسفندماه ۱۴۰۲ مدعی شد: «حکومت ایران به دنبال استفاده از این انتخابات به عنوان نمایشی از دموکراسی است اما تاکنون هزاران نامزد را رد صلاحیت کرده است. مردم ایران به خوبی می‌دانند که این انتخابات، هر نتیجه‌ای که داشته باشد، نماینده آنها نیست و ما نیز با آنها هم عقیده هستیم.»

معاون نماینده ویژه آمریکا در امور ایرنا ادعا کرد: «همانطور که برخی از ایرانیان امروز در اولین انتخابات پارلمانی پس از آخرین سرکوب خشونت‌آمیز حکومت رای می‌دهند، جهان می‌داند که مردم ایران در پای صندوق‌های رای حرف واقعی را نمی‌توانند بزنند.»

پبلی همچنین درباره حکم صادره برای شروین حاجی پور نیز گفت: «فترت ضد دموکراتیک حکومت ایران امروز نیز در دادگاه‌ها ادامه دارد، جایی که شروین حاجی‌پور خواننده پس از تبدیل شدن آهنگش ا برای آ به عنوان سرود جهانی اعتراضات مردم ایران به سال‌ها زندان محکوم شده است.» این مقام وزارت خارجه آمریکا مدعی شد: «ایالات متحده آمریکا همچنان به شفاف‌سازی نقش مقامات حکومت ایران در نقض حقوق بشر ادامه خواهد داد و ما همچنان در کنار ایرانی‌ها در مبارزه برای آینده‌ای آزاد و دموکراتیک خواهیم ایستاد.» مقامات آمریکایی از روز گذشته با اظهاراتی مداخله جویانه در تلاش هستند، سیستم انتخاباتی ایران را زیر سوال ببرند. متیو (مت) میلر، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا نیز روز پنجشنبه به وقت محلی مدعی شد: «من انتظار ندارم آزاد و مغان می‌کنم که تعداد زیادی از مردم ایران انتظار ندارند که این انتخابات، می‌دانید، هزاران نامزد قبلا در فرآیند غیرشفاف رد صلاحیت شده‌اند و جهان از مدت‌ها قبل می‌داند که نظام سیاسی ایران دارای سیستم اجرایی، انتخاباتی و قضایی غیردمکراتیک و غیرشفاف است.»

نشر دیپلماتیک

توفندهای اژدهای زرد برای روتوش چین

کتاب «قدرت نرم چینی» نوشته ماریا رینیکوا با ترجمه محمدرضا نوروزپور و با مقدمه‌ای از حامد وفاپی، توسط انتشارات خبر امروز منتشر و راهی بازار کتاب شد.

در این کتاب به نقل از شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهوری چین در اهمیت قدرت نرم آمده است: «چین فاقد تکنیک‌های داستان‌سرایی و روایت‌گری مؤثر برای توجیه موفقیت‌ولعیت خود است و حتی اگر برای جهان، داستانی تعریف کند، کانال‌ها و ابزارهایی برای انتشار فراگیر روایت‌های خود یا تقویت تأثیر آن‌ها ندارد.»

همچنین یو گوینگ، محقق مشهور ارتباطات چین در دانشگاه رنمین، در ضرورت توجه بیشتر چین به «قدرت نرم» می‌گوید: «قدرت صدای ما در جهان با موفقیت ما در جهان مطابقت ندارد. این موضوع بر میزان پذیرش چین توسط جهان تأثیر می‌گذارد. اگر صدای ما با نقش ما مطابقت نداشته باشد، هر چقدر هم که قوی باشیم، یک غول فلج باقی می‌مانیم.»

ماریا رینیکووا، نویسنده این کتاب، با تکیه بر دانش عمیق خود از زبان و فرهنگ چینی، آشنایی تومان با سازوکارهای قدرت نرم زادگاهش روسیه و محل تحصیل و زندگی‌اش در انگلیس و آمریکا، کار میدانی و مصاحبه‌های گسترده و عمیق با کارشناسان، مقامات و متخصصان فرهنگ، مدیران و فعالان رسانه‌ای و سیاسی چینی، بررسی دقیق‌تر، جامع‌تر و منصفانه‌تری از دیدگاه‌ها و شیوه‌های قدرت نرم چین در جهان ارائه کرده است.

نویسنده روس تیار در این کتاب تشریح می‌کند که چگونه شی جین‌پینگ از فرهنگ و هنر و سنت‌های چینی برای استحکام پایه‌های قدرت نرم فرهنگی این کشور در مقابل به غرب استفاده کرده است. او می‌نویسد که شی جین‌پینگ بیش از سایر رهبران سلف خود به موضوع فرهنگ، هنر و سنی باستانی چین اهمیت داد و در دوران او یک رنسانس فرهنگی، هنری رخ داد چرا که او به‌خوبی دریافته بود که به‌جای نابودکردن فرهنگ و هنر باستانی چین – آن‌گونه که ماؤ در انقلاب‌فرهنگی در حال انجام آن بود – می‌تواند از آن برای احیای روحیه ملی‌گرایی چین و نیز برای مبارزه با «قدرت نرم» آمریکا استفاده کند.

کتاب رینیکووا این قضاوت رایج در جهان غرب را که قدرت نرم چین به دلیل سیستم استبدادی، عدم اعتبار، یا ناسازگاری فرهنگی آن با غرب، ناکارآمد است، معکوس است. به چالش می‌کشد و نشان می‌دهد که ابتکارات قدرت نرم چین در عین جاهل‌پلانه بودن و همسویی تعمدانه آن با زمینه‌های داخلی، به خوبی توانسته است به برخی از نتایج و تأثیرات مثبت جهانی دست یابد. از جمله اینکه این تلاش‌ها تا کنون باعث افزایش وجهه، شهرت و نفوذ بین‌المللی این کشور، تقویت درک و همکاری فرهنگی متقابل آن با سایر ملل و ارتقای جایگاه آن در سازمان‌های بین‌المللی شده است. با این حال، او همچنین محدودیت‌ها و چالش‌های قدرت نرم چین، مانند شکاف بین لفاظی و واقعیت، تنش‌های بین منافع ملی و مسئولیت‌های جهانی، و مقاومت و انتقاد ذینفعان خارجی و داخلی از برخی برنامه‌های رسانه‌ای و فرهنگی این کشور را تصدیق می‌کند.

دکتر حامد وفاپی، عضو هیئت علمی دانشگاه ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه تهران در بخشی از مقدمه‌ای که برای این کتاب نوشته آورده است: جدای از برنامه‌های مفصل چین در حوزه فرهنگی که در دوران حاکمیت شی جین‌پینگ بر این کشور و نمایش علاقه یکن به برون‌گرایی در سیاست خارجی طی این دوران با طرح ایده‌هایی چون «بناکار یک پهنه یک راه»، «پیکره مشترک سرنوشت بشری» یا «تمدن جهانی» نمایان شده، این رشته در عملکرد چینیان س سری دراز داشته و دامنه آن حداقل از دو هزار سال قبل تا به امروز کشیده می‌شود. در واقع می‌توان چین را از جمله کشورهای دانست که در ندیای معاصر سالی‌ها پیش از طرح این مفهوم از سوی نای و همکارانش، نخستین نمونه‌های کاربردی «دیپلماسی فرهنگی» را در جهان معاصر عملیاتی ساخته و در چارچوب تعاریف معاصر از «قدرت نرم» به بهره‌گیری از ابزار فرهنگ، ورزش یا هنر در حوزه‌های دیپلماتیک با هدف تأمین منافع ملی پرداخته است. مترجم، در انتهای مقدمه خود مطالعه این کتاب را برای مدیران و فعالان رسانه‌ای، فعالان فرهنگی و هنری، کنشگران عرصه قدرت نرم، سیاستگذاران فرهنگی کشور، مدیران فرهنگی، اساتید و کارشناسان روابط بین‌الملل و علوم سیاسی دانشگاه‌ها و سایر اساتیدی که حوزه درسی آن‌ها به هر شکلی با حوزه قدرت نرم و قدرت فرهنگی مرتبط است و نیز موافقان و مخالفان تقویت فرهنگ و هنر ایرانی مفید دانسته است.

یادداشت

او کر این، ناتو و سیاست بین‌المللی

ژئوپلیتیک دگر گونی

ادامه از صفحه ۱

در هویت‌شناسی ناتو، دشمن مشترک که اتحاد شوروی بود، با تنوع رنگارنگی از دشمنی‌ها من‌جمله تروریست‌ها و تروریسم بر شده در حوزه عملیاتی، ناتو، نقش بسیار کلیدی و مهمی را در بمباران‌های گسترده در بالکان در دهه ۹۰ یافت.

در مراحل بعد، و پس از رخدادهای ۱۱ سپتامبر و اشغال افغانستان توسط آمریکا، در آن کشور در حوزه نظامی وارد شد. بعد از اشغال عراق توسط آمریکا، وارد پروژه‌های آموزش نظامی ارتش عراق شد. در آفریقا، درگیر عملیات مبارزه با تروریسم شد.

اما مهم‌تر آنکه از یک سازمان پیمان دفاع جمعی، به پیمانی نظامی، سیاسی و هنجاری تبدیل شد و وارد عرصه‌های جهانی و فرا اروپایی و فرا آن‌تنتیکی گردید. در دهه پیشین، در این راستا ادبیاتی توسط موسسات غربی با عنوان «ناتو جهانی» تولید شد.واژه ناتو جهانی، بعداً کمتر استفاده شد ولی ناتو تبدیل به ابزاری برای مدیریت دگر گونی‌های جهانی شد. به مرور چین و مساله چین، وارد اسناد ناتو شد.

اما در این میان مدیریت دگر گونی‌ها، چندان هم ساده به نظر نمی‌رسد. ناتو از درون، بسا چالش دگر گونی‌ها مخصوصاً در صورت به پیروزی رسیدن ترامپ در روبروست و در بیرون، موضوع اوکراین، تعیین‌کننده است.

ایا اوکراین روسیه را شکست می‌دهد؟ در این دو سال که چنین اتفاقی نیفتاده است و آینده هم چندان روشن نیست، آنچه روشن است ظهور جدی‌تر ناتو به عنوان کنشگری چندلایه در عرصه اروپایی و ماوراء اروپایی است.

روز ۲۸ ژانویه ۲۰۲۴ در یک حمله هوایی‌ما

بدون سرنشین به یک پایگاه پشتیبانی موسوم به برج ۲۲ در شمال شرقی اردن در نزدیکی مرز سوریه سه نظامی آمریکایی کشته و حداقل ۳۴ نفر دیگر زخمی شدند. این اولین حمله مرگبار به نیروهای آمریکایی در خاورمیانه از زمان آغاز جنگ غزه پس از حملات ۷ اکتبر حماس به اسرائیل بوده که حدود ۱۲۰۰ کشته بر جای گذاشته بود.

نیروهای فرماندهی مرکزی ایالات متحده (CENTCOM) نیز در دوم فوریه و در پاسخ به حملات به برج ۲۲ در اردن، حملات هوایی را در عراق و سوریه علیه گروه‌های شبه نظامی انجام داده و این حملات را بخشی از تلاش مداوم برای محافظت از خطوط دریایی در دریای سرخ اعلام کرد.

از نوامبر ۲۰۲۳، گروه یعنی موسوم به جنبش حوثی‌ها کشتی‌های تجاری در حال عبور از دریای سرخ و کانال سوئز همچنین در آب‌های تنگه باب‌المندب-یکی از نقاط مهم کشتیرانی در انتهای جنوبی دریای سرخ-را مورد حمله قرار داده و ادعا داشته‌اند که این حملات در اعتراض به درگیری‌های غزه بوده است.

جنگ غزه و افزایش گسترده حملات حوثی‌ها به منظور جلوگیری از انتقام‌جویی سخت اسرائیل در پاسخ به حملات حماس در ۷ اکتبر، ایالات متحده را به طور نامطمئنی به یک جنگ بزرگ منطقه‌ای نزدیک کرده است. در ابتدا و از اواخر دسامبر ۲۰۲۳ تنها پاسخ عمده ایالات متحده به حملات حوثی‌ها، عملیات نگهدمان رفاه بوده* «Prosperity Guardian» بوده که در یک ائتلاف دریایی عمدتاً اروپایی بتواند از کشتی‌های دریایی عبوری از دریای سرخ و خلیج عدن در برابر حملات حوثی‌ها محافظت کند. اما حملات بیشتر حوثی‌ها به کشتی‌های باری و افزایش تنش در منطقه دریای سرخ، موجب شد تا ائتلاف به رهبری ایالات متحده به منظور عدم اختلال در خطوط کشتیرانی، حملات هوایی و موشکی به یمن را آغاز نماید. چنانچه از اوایل ژانویه ۲۰۲۴، نیروهای آمریکایی بیش از ۱۰۰ موشک به سوی یمن و علیه مواضع حوثی‌ها شلیک کرده‌اند.

به نظر می‌رسد غزه و دریای سرخ به طرز غیرقابل انکاری به هم مرتبط شده‌اند و واشنگتن همگام با اتخاذ یک استراتژی دفاعی محکم در دریای سرخ، بالاچار می‌بایست اسرائیل را به سمت آتش بس در غزه سوق دهد. با توجه به استراتژی حوثی‌ها برای کشتاندن ایالات متحده به یک نبرد بدون برد در دریای سرخ با هدف تحت فشار قرار دادن واشنگتن در مهار اسرائیل در جنگ غزه، بعید است از زمانی که جنگ در ادامه داشته باشد، عملیات حوثی‌ها متوقف شود.

شکی نیست که در شرایط پیش آمده، درگیر شدن ایالات متحده در منطقه خاورمیانه پس از هرملاهی که انتظار می‌رفت که در حال کناره‌گیری از آن باشد، غیر قابل اجتناب می‌نماید. حملات زنجیره‌ای به حوثی‌ها و برخی گروه‌های نیابتی در عراق و سوریه نشان می‌دهد که چگونه ایساتل متحده بار دیگر با رویکرد استراتژی نظامی به خاورمیانه برگشته است.

جو بایدن رئیس‌جمهور ایالات متحده که از زمان آغاز به کار خود در سال ۲۰۲۱ شمار «دیپلماسی در اولویت» را در دستور کار داشت، نتوانست در برابر تحولات خاورمیانه به وعده‌ها

عمل نماید و مجبور شده تا درحل معضلات منطقه‌ای از بازیابی هژمونی نظامی خود بهره گیرد. اگرچه ترجیح بر آن شده تا مدیریت محیط امنیتی دریای سرخ چه در یمن و چه در منطقه وسیع‌تر مانند عراق و سوریه از طریق اقدامات بازدارندگی و برنامه ریزی سیاسی به جای گزین‌های نظامی صورت گیرد. این نوع مدیریت به معنای تلاش برای حل یا لااقل کاهش و مهار درگیری‌هایی است که پتانسیل نظامی‌گری را افزایش می‌دهد تا اطمینان حاصل شود که بحرران در خاورمیانه به یک فاجعه تمام‌عیار تبدیل نمی‌شود. ایالات متحده با چالش‌هایی مواجه شده که دولت بایدن را در سه‌گانه اتخاذ مواضع قوی و قاطع در قبال حملات گروه‌های نیابتی مانند حوثی‌ها و گروه‌های مقاومت اسلامی، پیشبرد تشکیل کشور فلسطین و پیشنهاد یک پیمان دفاعی به عربستان سعودی که به عادی سازی روابط با اسرائیل بستگی دارد، درگیر کرده است.

در چالش اول ایالات متحده تلاش دارد درگیر شدن ایالات متحده در منطقه خاورمیانه پس از هرملاهی که انتظار می‌رفت که در حال کناره‌گیری از آن باشد، غیر قابل اجتناب می‌نماید. حملات زنجیره‌ای به حوثی‌ها و برخی گروه‌های نیابتی در عراق و سوریه نشان می‌دهد که چگونه ایساتل متحده بار دیگر با روشکرد استراتژی نظامی به خاورمیانه برگشته است.

غرق شدن کشتی انگلیسی در دریای سرخ

منابع خبری گزارش دادند: کشتی انگلیسی «ام وی رومی مار» که ۱۳ روز پیش هدف حمله ارتش یمن در دریای سرخ قرار گرفته بود، بطور کامل غرق شد. به گزارش شبکه الجزیره، کشتی ام وی رومی مار متعلق به انگلیس به‌طور کامل در آبهای دریای سرخ غرق شد. منابع خبری امروز گزارش داده بودند که جنبش انصارالله یمن بار دیگر اعلام کرد که در ازای ورود کمک‌های انسانی به نوار غزه، اجازه می‌دهد تا کشتی غرق شده انگلیس از دریای سرخ خارج شود. «محمد علی الحوتی» عضو دفتر سیاسی جنبش انصارالله یمن در شبکه اجتماعی «یکس» نوشت: بار دیگر تأکید می‌کنیم که پیشنهاد اجازه خارج کردن کشتی غرق شده انگلیسی در مقابل ورود کامیون‌های کمک‌های انسانی به منطقه محاصره شده نوار غزه همچنان روی میز است. نیروی دریایی یمن



روزنامه رای ایوم در گزارشی تحلیلی به اهداف نامه منتسب به «یحیی السنوار» رئیس

جنبش حماس در غزه خطاب به هیات مذاکره کننده این جنبش برای برقراری آتش بس در نوار غزه و تبادل اسیران با رژیم صهیونیستی پرداخت و نوشت که این نامه دست مذاکره کنندگان حماس را بر تکر و قدرت مانور

در ۲۸ ژانویه، فرانسه میزبان مذاکراتی با حضور مقاماتی از آمریکا، قطر، مصر و رژیم صهیونیستی و با هدف انعقاد توافق بر سر ایجاد آتش‌بس طولانی‌مدت در نوار غزه و آزادی اسیران بود. این رویداد را می‌توان نمونه خوبی از نقش و جایگاه فرانسه در بحران غزه دانست؛ ایجاد پل‌های ارتباطی میان بازیگران غربی و منطقه‌ای به رغم تأثیر و نفوذ محدود در میدان. اما مسوال اساسی این است که آیا با ادامه یافتن جنگ غزه و مسایر بحران‌های جاری، فرانسه می‌تواند در چشمانداز دیپلماتیک منطقه‌ای جایگاهی برای خود ایجاد کند؟

یکشنبه ۱۳ اسفند ۱۴۰۲- ۲۲ شعبان ۱۴۴۵- ۳ مارس ۲۰۲۴- سال بیست‌وسوم- شماره ۶۱۷

بخش بزرگی از تش‌های خاورمیانه به غزه گره خورده است

شاهرگ پایان بحران دریای سرخ

شهره بولاب



درمنطقه بوده است.

گروه مقاومت اسلامی در عراق که از آغاز جنگ غزه مسئولیت بیشتر حملات به ارتش آمریکا در عراق و سوریه را بر عهده گرفته، هدف از حمله به اهداف آمریکا را بیرون راندن نیروهای آمریکایی از عراق و سوریه و حمایت از گروه فلسطینی حماس در جنگ غزه اعلام کرده است. آمریکا در پاسخ به حملات مکرر به پایگاه‌های آمریکایی در سوریه و عراق، دو ناو هواپیمابر و گروه‌های حمله همراه آن‌ها را به منطقه منتقل کرده است.

چالش دوم در ارتباط با حل مناقشات اسرائیل و فلسطین است که ایالات متحده در حال همکاری با اسرائیل بر روی یک معامله بزرگ برای ثبات منطقه است و بر این باور است که غزه باید توسط «تشکیلات خودگردان فلسطینی اصلاح و احیا شده» اداره شود. حمله ۷ اکتبر حماس راه را برای خواسته دوم بایدن در مورد کرد تا در فرصت باقی مانده از دوران ریاست جمهوری اش بتواند مساله اسرائیل و فلسطین را از طریق تشکیل یک کشور مستقل فلسطینی با تضمین امنیت واقعی برای اسرائیل حل نماید. برای اسرائیل نیز حملات ۷ اکتبر عملکرد فوق‌العاده‌ای داشته است تا یک بار و برای همیشه بتواند به مناقشه با فلسطین پایان دهد. در نتیجه اهداف استراتژیک واشنگتن در منطقه نیازمند تشکیل یک کشور فلسطینی در بلندمدت و مدن اسرائیل دستیابی به این هدف در کوتاه مدت است از اینرو تلاش‌های دیپلماتیک کشورهای عربی و غربی برای دستیابی به آتش‌بس در غزه که امید می‌رفت تا تقویت شده و حتی به نوعی مذاکرات صلح

دولت نجات ملی یمن بر ادامه عملیات نیروی دریایی این کشور تا توقف جنایت‌های رژیم صهیونیستی در غزه تأکید کرد. به گزارش شبکه العیادین، وزارت خارجه دولت نجات ملی یمن در بیانیه‌ای اعلام کرد که در سایه اصرار رژیم صهیونیستی با حمایت و پشتیبانی آمریکا بر جنایت‌های خود، موضوع یمن همچنان بر جلوگیری از عبور کشتی‌های رژیم صهیونیستی در دریای سرخ و باب این جنگ شده، اما در نهایت در نوامبر۲۰۲۳ (آبان ۱۴۰۲) یمن در نهایت از این اقدام استفاده کرد تا در فرصت باقی مانده از دوران ریاست جمهوری اش بتواند مساله اسرائیل و فلسطین را از طریق تشکیل یک کشور مستقل فلسطینی با تضمین امنیت واقعی برای اسرائیل حل نماید. برای اسرائیل نیز حملات ۷ اکتبر عملکرد فوق‌العاده‌ای داشته است تا یک بار و برای همیشه بتواند به مناقشه با فلسطین پایان دهد. در نتیجه اهداف استراتژیک واشنگتن در منطقه نیازمند تشکیل یک کشور فلسطینی در بلندمدت و مدن اسرائیل دستیابی به این هدف در کوتاه مدت است از اینرو تلاش‌های دیپلماتیک کشورهای عربی و غربی برای دستیابی به آتش‌بس در غزه که امید می‌رفت تا تقویت شده و حتی به نوعی مذاکرات صلح

نقش پررنگ «السنوار» در مذاکرات آتش‌بس

کرده، به طوری که حماس به‌عنوان «رهبر آرمان ملی فلسطین» تلقی خواهد شد. روزنامه رای ایوم در ادامه گزارش تحلیلی خود به نقل از منابع خود نوشت که السنوار به شکل مکتوب و نه شفاهی به رهبران سیاسی اطمینان خاطر داده تا آنها قدرت چانه‌زنی خود در مذاکرات را افزایش دهند.

به نوشته این روزنامه، هدف از این اقدام السنوار علاوه بر قرار دادن رهبران سیاسی در جریان تحولات میدانی در غزه، بالا بردن روحیه مذاکره‌کنندگان و تعیین سقف برای امتیازگیری و امتیازدهی است.

روزنامه رای ایوم افزود: نامه السنوار قدرت مانور را از نتائیاهاو برای امتیازگیری - به ویژه بسا توجه به تحرکات آمریکا، قطر و برخی کشورهای اروپایی برای به سرانجام رساندن توافق مبادله اسیران قبل از ماه رمضان - گرفت. به نظر می‌رسد که نامه اطمینان بخش السنوار

انستیتو واشگتن بررسی کرد

بازی فرانسوی در خاورمیانه

همبستگی با غرب متهم کرده‌اند. این در حالی است که این کشور مدعی است که در این خصوص خواهان رویکردی متوازن و مبتنی بر سه رکن امنیتی، بشردوستانه و سیاسی بوده است. همبستگی فرانسه با رژیم صهیونیستی موضوع جدیدی نیست و سابقه آن به دوران ریاست جمهوری ژاک شیراک بازمی‌گردد. اگرچه فرانسه برای چندین دهه

تشکیل کشور فلسطینی باز نماید.

قبیل از حوادث ۷ اکتبر در یک توافق سه جانبه میان عربستان-اسرائیل-آمریکا پیشرفت‌هایی در حال شکل‌گیری بود که مورد استقبال ریاض و تل آویو بوده که در شرایط کنونی سعودی‌ها با بهره‌گیری از مزایای تنش راهکاری است که مشروط بر آن خواهد بود که هیچگاه اسرائیل مورد تهدید قرار نخواهد گرفت. اسرائیل علاوه بر غزه با جبهه‌های داغ دیگری در کرانه باختری، لبنان، سوریه، عراق و یمن روبروست و پیروزی واقعی برای تل آویو تنها با از بین بردن حماس حاصل نمی‌شود. این درحالی است که بایدن تمایل دارد بحران غزه را تقریباً منحصر به حماس بداند.

کشورهای عربی بر امنیت و منافع خود متمرکز شده و تمایلی برای ایفای نقش بیشتر در شکل‌دهی به نتیجه غزه نداشته و همچنان در حال همکاری نزدیک با اسرائیل برای جلوگیری از گسترش جنگ و همکاری در برابر طرح‌های رادیکال برای تشدید نبرد در جبهه‌های دیگر هستند. از اینرو هماهنگی‌های سیاسی در مورد آینده غزه هنوز بسیار ضعیف است و نمی‌توان انتظار داشت که اسرائیل به زودی به مواضع پیش از ۷ اکتبر برگردد. زیرا در بهترین شرایط، حماس و اسرائیل به شرایط یک «آتش بس موقت» برای توقف طولانی نبرد دست خواهند یافت که طی آن بسیاری از گروه‌گان باقی مانده آزاد خواهند شد. چالش سوم راهبرد دولت بایدن برای غزه پس از جنگ است که عادی سازی روابط بین اسرائیل و عربستان سعودی می‌تواند به ثبات محیط اطراف کمک کند و یک اتحاد رسمی و جدید میان دو کشور مسیر جدیدی را برای

تأکید صنعا بر ادامه عملیات

جنایت‌های این رژیم بویژه از طریق اخلاص در وظیفه و مأموریت شورای امنیت در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است.

در ایسن بیانیه، وزارت خارجه دولت نجات ملی یمن، تشدید جنایت‌های جنگی رژیم صهیونیستی و قتل عام غیرنظامیان از جمله جنایت بمباران افراد منتظر دریافت مواد غذایی در میدان النابلسی غزه که منجر به شهادت ۱۱۲ و مجروح شدن ۸۰۰ تن دیگر شد، را محکوم کرده است. از زمان آغاز جنگ علیه غزه و تهاجم وحشیانه رژیم صهیونیستی به این منطقه، یمن بارها به رژیم اسرائیل هشدار داده و خواستار توقف این جنگ شده، اما در نهایت در نوامبر۲۰۲۳ (آبان ۱۴۰۲) و پس از ادامه این درگیری‌ها در غزه، حملات علیه کشتی‌های مرتبط با این رژیم را در دریای سرخ آغاز کرده است.

دربراره اوضاع و توان نظامی جنبش حماس، تا حد زیادی فشار را از روی مذاکره‌کنندگان حماس برداشته و دست آنها را پر کرده است. پس از این همه ویرانگری هیچ توجیهی برای امتیازدهی زیادی وجود ندارد که نتائیاها را از بحران خارج کند. این روزنامه به نقل از چندین منبع مختلف نوشت که جنبش حماس همچنان از قابلیت‌های نظامی قابل توجهی برخوردار است و این جنبش و رزمندگان مقاومت تاکتیک‌ها و روش‌های جنگی خود را علیه ارتش اشغالگر ارتقا داده‌اند که در نوار غزه تغییر داده‌اند. در ماه‌های اخیر، آنها به تازگی توانسته‌اند که از جنگ و درگیری مستقیم با نظامیان صهیونیست اجتناب کنند و در عوض، با ایجاد تله و کمین برای این نظامیان - یا از طریق استفاده از موشک‌های ضد تانک یا با کار گذاشتن مواد منفجره - جنگ چریکی مشخصی را انجام دهند.

پیوندهای نزدیکی با جهان عرب داشت. اما در اوایل دهه دو هزار میلادی شیراک تلاش کرد تا در عین حفظ ارتباط با کشورهای عربی و توجه به جوانب این ارتباط (همچون مخالفت با تجاوز نظامی به عراق در سال ۲۰۰۳) روابط گرم و دوستانه‌ای را نیز با رژیم صهیونیستی برقرار سازد؛ سیاستی که توسط رئیس‌جمهور بعدی این کشور یعنی نیکلا سارکوزی نیز دنبال شد.

حمایت آشکار فرانسه از رژیم صهیونیستی پس از عملیات طوفان الاقصی در هفتم اکتبر نیز خود تأییدی از این جهت‌گیری استراتژیک بود.